

گنڈہ جهانی منیر شیخ مفید

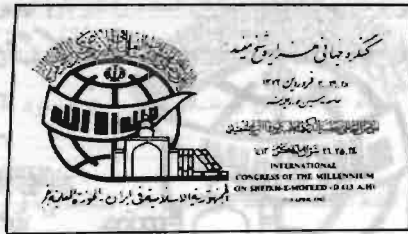
۲۰۰۰ فروری ۱۳۲۲
جامعہ مدرسہ عربیہ اسلامیہ

۱۲۱۳ ۲۲-۲۵-۲۸
INTERNATIONAL
CONGRESS OF THE MILLENNIUM
ON SHEIKH-E-MOFEED (D.413 A.H)
17-21 APRIL 1993

الجمهورية الإسلامية في إيران - الموزة العديبة

روایتی از کنگرہ شیخ مفید

راوی: جواد محمدی



حافظه او را قوی تر می دانستم از او خواستم که شرح حالش را خود او بیان کند و او هم پذیرفت و اظهار داشت: شیخ مفید، که نام اصلی او محمد است، بنا به قول مشهور در سال (۳۳۸ ق.م) در یکی از روستاهای حوالی بغداد به دنیا آمد. شیخ مفید مکنی به ابو عبدالله بود و او را ابن المعلم عم می خوانند اما لقب معروف وی همان مفید است. گویند روزی با استادش علی بن عیسی رمانی مباحثه می کرد و استاد که تحت تأثیر قدرت فکری او قرار گرفته بود گفت: حقا که مفید هستی. و از آن روز ملقب به مفید شد. از اساتید شیعه وی شیخ صدوق را به یاد می آورم.

دوست جوادی پرسید: شیخ مفید در چه علم یا علومی تبحر داشته است؟ جوادی گفت: اکثر دانشمندان گذشته ذی فنون بوده اند و شیخ مفید هم از آن جمله است اما وجهه بارز شیخ در کلام و فقه است. ظاهراً هنوز چهل ساله نشده بود که سرآمد متکلمان و فقهای شیعه بود. این نادیم در الفهرست آورده است: «در این روزگار ریاست علمای شیعه امامیه در فقه و کلام بر عهده محمد بن محمد بن نعمان است». البته برای درک اهمیت شیخ مفید کافی نیست که بدانیم اوقیه و متکلم بزرگی بوده است. حتی اگر بدانیم که او پارسا و متعهد بود و به قول ذهبی در کتاب العبر، بسیار صدقه می داد و مواضع بود. لباس خشن می پوشید و بسیار نماز

قضا را چنین پیش آمد که در ایام حضور در «کنگره جهانی هزاره شیخ مفید» در شهر مقدس قم و نیز به فاصله چند روز در «کنگره بزرگداشت دوستیمین سالگرد تولد حکیم سبزواری» در شهر تاریخی سبزواری، بیهج سابق، در معیت دوست و مباحث قدیمی ام آقای جوادی باشم، همان که سالهای متمادی با هم مباحثه فلسفه و کلام داشتیم و نحلتهای فلسفی مشائی و اشراقی و صدرایی را در محضر اساتید برجسته دانشگاه و حوزه آموخته بودیم. علاوه بر آن از تعاطی آراء فلسفی حکیمان مغرب زمین، اعم از قدما و متأخرین، غافل نبودیم. اینک فرصتی پیش آمده بود تا ضمن حضور در جمع پاره ای از اساتید و متفکران صاحب نام از داخل و خارج کشور، گاه و بیگاه به ارزیابی وضعیت موجود پردازیم.

صبح روز بیست و هشتم فروردین، طبق قرار قبلی، زنگ منزل به صدا در آمد. آقای جوادی یکی از دوستانش را نیز با خود آورده بود. سوار شدیم و به راه افتادیم. دوست آقای جوادی با مباحث کلامی و فلسفی آشنا نبود و از شیخ مفید هم فقط نامش را شنیده بود. در بین راه از آقای جوادی درخواست کرد که مطالبی راجع به شیخ مفید بیان کند. جوادی هم او را به من حواله کرد اما چون

روایت از کنگره سبزواری

می‌گردد و در بسیاری از ایام روزه می‌گرفت، باز هم تا به موقعیت تاریخی او آگاهی نداشته باشیم و تأثیر او را در مرزبانی از ارکان فکری تشیع و تنقیح و تهذیب کلام شیعه از آراء و عقاید فرقه‌های کلامی غیر شیعی ندانیم نمی‌توانیم مقام علمی او و حاصل جهاد فکری پنجاه ساله او را بازشناسیم.

بحق می‌توان او را مؤسس مکتب کلامی شیعه دانست و این امر بدان معنی نیست که سهم امامان معصوم شیعه علیهم السلام و شاگردان کلامی آن بزرگان از قبیل هشام بن حکم، قیس بن ماصر، خاندان نوبختی و... را نادیده بگیریم. بلکه بدین معنی می‌توان گفت با امام اول شیعیان علی (ع) آغاز شده بود و از چند طریق، متکلمان اوائل را تغذیه فکری کرده بود اما در طول این مسیر با عقاید انحرافی آمیخته شده بود، بپیراید و ارکان مکتب کلامی تشیع را بوضوح راسخ گرداند و با تربیت شاگردان بزرگی چون سید مرتضی، سید رضی، شیخ طوسی، کراجکی، نجاشی و...، که هر یک چون ستاره‌ای بر پهنه آسمان معارف اسلامی می‌درخشیدند، استمرار راه خویش را تضمین گرداند. توجه به این نکته ضروری است که شیخ در

جریان این مبارزات فکری به نحو بارزی واجد دو خصوصیت بود. یکی شجاعت فهمیدن و دیگر تقوای علمی. ویژگی اول زادر مواجهه علمی‌اش با سایر دانشمندان خاصه با عالم بزرگواری همچون شیخ صدوق ملاحظه می‌کنیم و می‌بینیم که شهرت صدوق هرگز مانع از آن نمی‌شود که مفید در صدد نقد آثار صدوق، استاد بزرگوارش، برآید و در حدود هشتاد مورد بر او خرده بگیرد. ویژگی دوم را آنجا ملاحظه می‌کنیم که در مقام رد مخالفان و نقد آراء آنها هرگز جانب انصاف را از دست نمی‌دهد و چیزی را به ناحق به کسی نسبت نمی‌دهد و از دیگر سو نیز اگر مطلبی را از کسی استفاده کرده‌است آن را به نام خود عرضه نمی‌کند.

آقای جوادی همچنان از شیخ مفید می‌گفت تا به قم رسیدیم. پس از اندکی توقف در کنار حرم مطهر و پرس و جویی از محل کنگره با دوست آقای جوادی خداحافظی کرده و روانه مدرسه عالی تربیتی و قضایی شدیم.

کارت ورود رانشان دادیم و داخل تالار شیخ مفید شدیم. جناب استادی، مشغول قرائت پیام حضرت آیت... خامنه‌ای (دامت برکاته) بود. معلوم بود که از سر تحقیق و تدبیر نوشته شده است. پیش از این هم دیده بودم که آن جناب در کنگره بزرگداشت اقبال لاهوری و نیز در کنگره بزرگداشت حافظ، خطابه‌های محققانه و ستمی ایراد فرموده بودند. در اوایل پیام آمده بود: تشکیل این هزاره تجلیل و سپاس، اولاً نسل امروز را با چهره این بزرگمرد آشنا تر می‌کند و زمینه قدرشناسی و آنگاه بهره‌گیری از آثار او را برای نسلهای امروز و فردا فراهم می‌سازد. ثانیاً به تحلیلگران و پژوهندگان تاریخ فقه و علوم عقلی، این فرصت را ارزانی می‌دارد که معرفتی تازه درباره مسیر رشد و تکامل این دانشها و چگونگی شکل‌گیری و بالندگی و عناصر سازنده آن در برهه حساسی از تاریخ کسب کنند....

ثالثاً آشنایی با معارف کلامی و اساسی شیعه را برای پژوهشگران مسلمان از هر فرقه و مذهب و نیز برای افکار عمومی مسلمین در سطحی وسیع میسر می‌سازد. پیام مقام معظم رهبری همان طور که خود فرموده بودند مشتمل بر تبیین و اثبات مدعایی بود که در اوایل پیام آمده بود: «شیخ مفید در سلسله علمای امامیه، فقط یک متکلم و فقیه سرآمد و برجسته نیست، بلکه فراتر از این، وی مؤسس و سرچلته جریان علمی رو به تکاملی است که در دو رشته کلام و فقه، تا امروز در حوزه‌های علمی شیعه امتداد یافته و با وجود برکنار نماندن از تأثیرات تاریخی و جغرافیایی و مکتبی، ویژگیهای اصلی و خطوط اساسی آن همچنان پابرجا مانده است... برای تبیین

این نکته لازم است نقش مؤثر و تعیین کننده مفید:
۱ - در تثبیت هویت مستقل مکب اهل بیت علیهم السلام.
۲ - در بنیانگذاری شکل و قالب علمی صحیح برای فقه شیعه.
۳ - در آفرینش شیوه جمع منطقی میان عقل و نقل در فقه و کلام تعریف شود...

حَقاً مقاله تحقیقی و پرمایه‌ای بود و خوب است که علاقه‌مندان متن آن را مورد مطالعه قرار دهند. عبارات پایانی مقاله نیز حائز توجه است: «نکته پایانی این مقاله، توصیه مؤکد من به علما و اندیشمندان حاضر در این اجتماع فرهنگی است که با همه توان بکوشند این لقاء علمی را وسیله نزدیکی فکری و اتحاد عملی میان مذاهب اسلامی قرار دهند. چگونگی برخورد شیخ مفید با خصم مذهبی زمانش بیگمان متأثر از حوادث تلخ اجتماعی و مصائبی است که شیعهٔ مظلوم آن روز با آن مواجه بوده و آتش تعصبات کور آن را برمی‌انگیخته است. آنگونه رفتار نمی‌تواند امروز الگویی برای برخورد فرق اسلامی با یکدیگر حتی در صحنه‌های کلامی باشد. امروز همهٔ فرق اسلامی باید با مشاهدهٔ آن صحنه‌های دردناک تاریخ، تجربهٔ مسالمت و مهربانی بیاموزند و در زمانی که اصول اسلام - که مفیدها در هر مذهبی برای احیاء آن، چنان رنجهایی را متحمل شده‌اند - از سوی دشمنان جهانی در معرض خطر است، به وحدت و اقتراب و همکاری همهٔ فرقه‌ها و همهٔ متفکران آنها بپردازند، و این درس بزرگ انقلاب ما و رهنمود همیشگی امام راحل ماقدهس الله نفسه الزکیه است...»

قرائت پیام مقام معظم رهبری پایان یافت و طنین صدای روحبخش امام راحل (س) حاضران را در حال و هوای دیگری فرورد و از آن پس چند دقیقه برای استراحت و پذیرایی اعلام شد. در بازگشت به تالار، ابتدا مصطفی جمال‌الدین از شرعی عراقی شری قرائت کرد و سپس آیتا...
جوادی آملی ضمن شکوه از مجال بیست

دقیقه‌ای اش به ایراد سخن پرداخت و در پایان در خواست کرد که در یکی از بندهای قطعنامهٔ پایانی کنگره، شیخ مفید را به عنوان معلم اول کلام و فقه شیعه معرفی کنند.

در این کنگره، همچون سایر کنگره‌هایی که در ایران برگزار می‌شود، اختلالاتی در برنامهٔ اعلام شده پیش آمد که البته اندکی از آن شاید اجتناب ناپذیر باشد.

برنامهٔ پیش از ظهر به اتمام رسید و پس از نماز جماعت با سایر شرکت کنندگان راهی غذاخوری شدیم. هنگامی که به پشت صف طولانی دریافت غذا رسیدیم پس از تبادل نظر با آقای جوادی ترجیح دادیم آنجا را ترک کنیم و برای صرف غذا به داخل شهر برویم.

حدود ساعت ۱۷ به محل برپایی کنگره برگشتیم. نگاهی به برنامهٔ کنگره انداختیم و موضوعات سمینارها را مرور کردیم: سمینار شماره ۱: قرآن و حدیث. سمینار شماره ۲: فقه و اصول. سمینار شماره ۳: ولایت فقیه. سمینار شماره ۴: کلام و مسائل اعتقادی. سمینار شماره ۵: نفس و روح و جبر و اختیار. سمینار شماره ۶: شیعه و معتزله. سمینار شماره ۷: تاریخ. سمینار شماره ۸: شرح حال و کتابشناسی آثار شیخ مفید.

در کتابچه‌ای که برنامه‌ها نوشته شده بود اسامی سخنرانان و نیز موضوع مقالهٔ آنها ذکر شده بود. همان دم پس از ملاحظهٔ موضوعات حدس زدم که در این سمینارها شاید کمتر مطلب تازه‌ای بیان شود. پیش از این هم در چند کنگره دیده بودم که اکثر سخنرانان بیشتر به جمع و تفریق مطالبی می‌پردازند که گذشتگان پرداخته‌اند و اینها نیز همچون امانتداری ایمن همانها را تقریباً بی هیچ دخل و تصرف قابل اعتنایی دوباره باز می‌گویند. آقای جوادی هم لبخندی زد اما جلسات شروع شده بود و

ل گفتگو نبود و لذا داخل غرفه سمینار شماره ۴ که بیشتر مناسب با رشته ما بود، شدیم. برادری از حوزه مشغول قرائت مقاله‌اش درباره علم غیب بود. تقریباً فهرستی از عناوینی که در تحت آنها احادیثی از ائمه شیعه علیهم السلام راجع به علم غیب در کتب احادیث آمده بود و شیخ مفید هم در پاره‌ای از آثارش متعرض آنها شده بود، فراهم کرده بود و به سمع حضرات رسانید. پس از آن، یکی دو سؤال به صورت ناتمام ردوبدل شد و به درخواست دبیر سمینار ارائه سؤال و جواب متوقف شد. از نفر دوم درخواست شد که به جایگاه بیاید ولی به علت عدم آمادگی وی از نفر سوم دعوت شد مقاله‌اش را قرائت کند. آقای دکتر زریاب خوبی هم به جایگاه آمد و مقاله‌اش را که درباره احوال از نظر شیخ مفید بود قرائت کرد. نفر چهارم و پنجم نیز آمادگی قرائت مقاله‌شان را نداشتند و لذا برنامه آنها نیز به روز بعد موکول شد و از نفر ششم، آیت‌ا. امامی

مقام معظم رهبری: «تشکیل این هزاره تجلیل و سپاس، اولاً نسل امروز را با چهره این بزرگمرد آشنا تر می‌کند و زمینه قدرشناسی و آنگاه بهره‌گیری از آثار او را برای نسل‌های امروز و فردا فراهم می‌سازد. ثانیاً به تحلیل‌گران و پژوهندگان تاریخ فقه و علوم عقلی، این فرصت را ارزانی می‌دارد که معرفتی تازه درباره مسیر رشد و تکامل این دانشها و چگونگی شکل‌گیری و بالندگی و عناصر سازنده آن دربره حساسی از تاریخ کسب کنند....»

کاشانی، دعوت شد که اجمالی از مقاله طولانی‌اش را که درباره غیبت امام زمان (ع) بود عرضه کند و بدین ترتیب برنامه امروز به پایان رسید.

وقتی که از سالن بیرون می‌آمدیم دیدیم که آقای حوادی بسیار اندوهگین است هنوز چیزی نرسیده بودم که او به سخن در آمد: تو فکر می‌کنی که فردا از امروز بهتر خواهد بود؟ گفتم چرا؟ منظورت چیست؟ گفتم: بدون شک یکی از اهداف برگزاری این قبیل کنگره‌ها معرفی ابعاد مختلف همان بزرگانی است که این کنگره‌ها به نام آنها برگزار می‌شود. اما در این میان دو نکته را نباید از نظر دور داشت. اولاً بررسی و تبیین افکار و آراء آن بزرگان باید به گونه‌ای باشد که امروز برای نسل معاصر هم قابل فهم باشد و هم قابل اعتناء، و این در صورتی میسر است که در پرتو معارف جدید به تشریح و نقد آراء گذشتگان روی آوریم و از زاویه نگرش علمی امروز - کلامی، فلسفی، فقهی... بر آن میراث ارجحند نظر افکنیم والا تکرار همان مطالبی که شیخ مفید و امثال او در زمان خود و در پاسخ مشکلات فکری عصر خود بیان داشته‌اند، در این زمان چه بسا سودمند نباشد. دیگر آنکه اصلاً بسیاری از مسائل کلامی و معضلات فکری و اعتقادی که در عصر مفید مطرح بود امروز چنانچه به پیشینه تاریخی آنها توجه نداشته باشیم مهمل و بی‌معنی می‌نماید و پرداختن به آنها را نوعی اتلاف وقت می‌دانند. از طرف دیگر امروز با پیشرفت معارف بشری، آراء فلسفی و کلامی جدیدی مطرح شده و معضلات تازه‌ای برای دینداران به وجود آورده‌اند که اگر کسی بخواهد شیخ مفید این زمان باشد باید با اینگونه مسائل پنجه درافکند. پس اگر بخواهیم مفید را بشناسیم باید در پرتو معارف این عصر و بارویکردی تاریخی به سراغ مفید برویم. مهمتر از آن اگر بخواهیم مفید عصر خود باشیم باید همان طور که مفید در عصر خود به مشکلات کلامی و اعتقادی مطرح در آن

عصر پرداخت و برای حل آنها تلاش کرد، مانیز باید به مسائلی بپردازیم که در عصر ما و برای نسل ما، خصوصاً نسل جوان مطرح است، که با اندیشه‌های فلسفی و کلامی جدید غرب آشناست. آقای جوادی گرم شده بود و با حرارت سخن می‌گفت. گفتیم اولاً عجولانه قضاوت نکن! هنوز دو روز دیگر باقی مانده است و در این دو روز چه بسا مطالبی عرضه شود که شما را خرسند گرداند. همین مطالبی هم که عرضه شد چنین نیست که بکلی بی فایده باشد. تازه، قوت و ضعف پاره‌ای از آنها یک چیز است و مفید یا غیر مفید بودن کنگره فی المجموع، چیز دیگر است. شما چنان صحبت می‌کنید که گویی برپایی چنین کنگره‌هایی را سودمند نمی‌دانید.

گفت: ای بابا! یعنی شما توقع داشتید که این کنگره هیچ فایده‌ای نداشته باشد؟ آخر، تو دیگر چرا چنین حرف می‌زنی؟ آیا بیان اینکه این کنگره‌ها در چه صورتی مفیدتر خواهند بود، بدین معنی است که برپایی آنها اساساً بی فایده است؟

هر دو خسته بودیم و لذا توافق کردیم که به نماز مغرب بپردازیم و در مجال دیگری با هم گفتگو کنیم.

روزهای بعد را جسته گریخته شرکت کردیم و برآن شدیم که از برنامه‌های جنبی کنگره نیز بهره‌مند شویم و همچنین با پاره‌ای از اساتید و دانشمندان داخلی و خارجی دیدار و گفتگویی داشته باشیم. حقیقتاً نفس برپایی چنین کنگره‌هایی به نظر من بسیار مغتتم است. فرصتی فراهم می‌آید که پاره‌ای از متفکران ساعتی را در کنار هم بگذرانند و حاصل تجربه‌ها و مطالعات خویش را در اختیار یکدیگر قرار دهند و به معرض داوری بگذارند. فی المثل، در این کنگره محققان ارجمندی چون

سیدحسن امین عاملی، دکتر سماوی تيجانی، ژوزف فان اس، مارتین مکدمروت، دکترحسین علی محفوظ جمال‌الدین، پروفیسور هیتزهالم دکتر عبدالعزیز ساشادینا، پرفیسور لگن هاوزن و... از کشورهای خارج و اساتید بزرگی از حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های داخل حضور داشتند. و ما با پاره‌ای از این بزرگان گفتگو‌هایی کردیم که شرح آنها را به مجال دیگری وامی‌گذاریم.

در همان اوقات هرگاه از شنیدن مطلب تکراری خسته می‌شدیم به اتفاق آقای جوادی به تماشای نمایشگاهها می‌رفتیم:

۱- نمایشگاهی از آثار چاپی و خطی شیخ و نیز نشریات کنگره برپا بوده که مورد توجه آقای جوادی قرار گرفت و اوقاتی در آن گلستان به تفرج پرداخت.

۲- نمایشگاه دیگری از آثار شیخ و نسخه‌های خطی آثار کلامی اسلامی - به همت مسؤلان کتابخانه مرحوم آیت... مرعشی نجفی برپا شده بود که این هم تفرجگاه دیگری برای آقای جوادی بود.

۳- نمایشگاه کامپیوتری آثار شیخ مفید هم دیدنی بود که مرکز کامپیوتری اسلامی حوزه علمیه قم آن را تهیه کرده بود.

علاقه‌مند بودیم که از برنامه‌های شبانه کنگره یعنی برنامه «شبى با قرآن» که در کنار حرم حضرت معصومه برگزار شد و نیز برنامه شب شعری که تحت عنوان «با آفتاب فقاقت» با حضور پاره‌ای از شاعران ایرانی و عرب برگزار شد شرکت کنیم که البته چون قصد دیدار با برخی از بزرگان را داشتیم، توفیق شرکت در این برنامه‌ها نصیبمان نشد.

با به پایان رسیدن قطعنامه کنگره آقای جوادی با بیحالی از جایش برخاست و با هم قدم زنان روانه محل سوار شدن اتوبوسها شدیم. می‌گفت: مسؤلان کنگره خودشان پاره‌ای از اشکالات این کنگره را

کتابخانه
موسسه
تعمیرات
دفتر

هم می دانسته اند و مع الوصف خود را دچار همان اشکالات کرده اند. گفتم از کجا می دانی که آنها از پیش می دانسته اند؟ گفتم: در مصاحبه آقای استادی نخواندی که حوزه پرسیده بود برای اینکه بتوانیم از نظر محتوایی و علمی، در جهت ایده آل حرکت کنیم و کنگره های آبرومندی برگزار کنیم. همه پیشنهاد مشخصی دادند و اعلان در پاسخ نامه بود. به نظر من برای موفقیت در این امر باید از نیروهای فاضل و جوان حداکثر بهره را برد. گروه های تحقیقی از آنان، تحت اشراف صاحب نظران، تشکیل بدهیم... ولی متأسفانه معمول کنگره ها این است که از معاریف دانشگاه و حوزه دعوت می کنند، آنان هم به خاطر اینکه معمولاً اشتغالشان زیاد است کار در خور توجهی نمی کنند. حتی می بیند که گاهی کنگره و سمیناری از تاریخ مقرر به تأخیر می افتد و علت آن عدم آمادگی دعوت شدگان، برای انجام کار لازم می باشد. بنابراین بهترین راه استفاده از نیروی جوان، با مشاورت افراد خبره است و در به راه و روش فعلی چندان از دهی ندارد. ولی با این حال خود این عزیزان به دنبال همان معاریف از حوزه و دانشگاه بودند که اشتغالشان زیاد است و نتیجه همین شد که دیدی. تازه اینکه آقای استادی گفته است به نظر من حداقلی است. اگر من هم بیرونی جوان می گویم نه اینکه صرفاً چون انرژی و فرصت بیشتری دارد. آنکه خیلی مقید نمی افتد. نیروی جوان به نظر من کسی است که با معارف جدید و روش های تحقیقی علمی جدید آشناست و می تواند از زاویه های دیگری به مسائل کهن بنگرد و با استفاده از معارف عصری به تحلیل پرسشها و پاسخی کهن بپردازد...

چند لحظه ای ساکت بود و نقطه نامعلومی را نگاه می کرد. اما یکدفعه روبه طرف من کرد و گفت: ولی تو هیچ نگفتی؟ دوست دارم، من هم نظر شما را بدانم. گفتم: همان طور که دان

انتقادات را وارد می دانم و در اینکه لازم است سعی شود که در آینده از این پیشنهادات استفاده شود تردید ندارم. مع الوصف کنگره را روی پرده نشاند می دانم و احساس غمی نمی کنم از اینکه ساعاتی از عمر خود را در احساس آبروراه با توجه به اینکه بارها در خوابی در این خصوص تقریباً هیچ جوابی نگرفتم و این ظاهر غمی کنگره هایی است که در حوزه علمیه برگزار می شوند تجربه موثقی بود. به نظر من این کنگره است که کنگره مطلوب و آرمانی است. نقایص بسیار داشت. نگرانی بودن پاره ای از مطالب مطرح شده در این کنگره هم چیزی نیست که احتیاج به اینجا داشته باشد؟ من و شما تا کون حداقل هفتاد است کنگره شرکت کرده ایم. آیا برنامه کن کرده ای؟ این بلای رکود در تحق و جوآوری آبی است که به جان جامعه بکری مافزوده است که تسبب علل و عوامل آن و ارائه راه حل برای آن، خود به یک تحقیق جمعی و گسترده دقیق نیاز مند است.

هیچ پاسخی برای گفتن نداشت. و ادامه دادم: همه حدیثه سرور می رویم. آنجا را هم خواهیم دید. گفت: می دانم.

گزارش کنگره دو سیمین سالگرد تولد حکم سرور را به جهت تمام شدن و تمام آن با مباحث مطرح در شماره بعدی محله، که نگرشی در فلسفه اسلامی و تسببی در ایران است، در آنجا ملاحظه خواهید کرد.

دو پرسش از کنگره شیخ مفید

کتابهای رسیده:

